

بررسی وضعیت حاشیه نشینی شهرهای کشور و پیامدهای آن

فاطمه معین دوست^۱، شیرین داوودی^۲، سیدبرزو جمالیان زاده^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته مشاوره- دانشگاه فرهنگیان

^۲ دانشجوی کارشناسی رشته مشاوره- دانشگاه فرهنگیان

^۳ دکتری زبان و ادبیات فارسی- دانشگاه شیراز- مدرس دانشگاه فرهنگیان

نویسنده مسئول:

فاطمه معین دوست

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۳۲-۴۱

چکیده

هر گاه سخن از مقوله حاشیه نشینی به میان می آید نباید آسیب های اجتماعی مرتبط با این مساله را نیز از نگاه تیزبینانه خود دور نگه داشت. حاشیه نشینی مقدمه ای بر آسیب های اجتماعی است. در مباحث مرتبط با جامعه شناسی شهری، حاشیه نشینی به آن بخش از زیست شهری اطلاق می شود که در حومه شهرها، تعدادی خانوار بدمسکن، یک مرکز جمعیتی یا شهرک ماندنی را به وجود آورند. در این بعد از وقوع اصلاحات اراضی این پدیده رخ عیان کرد. در جهان امروز پدیده حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی در کلان شهرها امری اجتناب ناپذیر و از جمله چالش های فراروی مدیریت شهری است. آهنگ شتابان مهاجرت از روستا به شهر علاوه بر دامن زدن به نابسامانی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همچنین حاشیه نشینی شهری را پدید می آورد. این مقاله به بررسی حاشیه نشینی در شهر یاسوج به عنوان یک چالش در برابر توسعه پایدار شهری می پردازد و ارتباط علل، مکانیسم و پیامدهای حاشیه نشینی در یاسوج با استفاده از رویکردهای کیفی و کمی مورد بررسی قرار می گیرد. یافته های این پژوهش نمایانگر این است که بخش عمده اسکان های غیررسمی شهر یاسوج ناشی از مهاجرت روستائیان به شهر است. حاشیه نشینان از شهر و محله زندگی خود چندان رضایت ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردارند. بنابراین برای رسیدن به توسعه پایدار و رشد متوازن شهری باید به این ناهنجاری شهری رسیدگی و آن را در فرآیند توسعه شهر ساماندهی کرد.

کلمات کلیدی: حاشیه نشینی، آسیب اجتماعی، مهاجرت، شهرنشینی.

مقدمه

یکی از مهم ترین مسایل اجتماعی کشورهای در حال توسعه، رشد و توسعه شتابان و ناهمگون شهرنشینی بوده است. این رشد نامتوازن در پی خود تبعاتی به همراه دارد. به گفته بسیاری از اندیشمندان این حوزه، اساسی ترین مسئله شهرنشینی، مسئله حاشیه نشینی است. زمانی که صحبت از پدیده حاشیه نشینی می شود بسیاری از آسیب های اجتماعی همچون جرم، فساد، فحشا، اعتیاد، خشونت تداعی می شود. آمارها حکایت از آن دارد که به شکل واقعی این قبیل مسائل و آسیب های اجتماعی در این مناطق بروز و نسبت به سایر مناطق شهر بیشتر است. حاشیه نشینی خود را به اشکال مختلف همچون آلودگی، زباله نشینی، کپر نشینی، اسکان غیر رسمی، سکونت گاه های ناپهنجار و حلبی آبادها نشان می دهد.

بر اساس برآوردهای سازمان بین المللی فعال در زمینه اسکان بشر، حدود یک چهارم جمعیت جهان فاقد خانه ای در خور زندگی انسانی بوده اند که در برگیرنده دامنه گسترده ای از بی سرپناهان و خیابان خواب ها تا آلودگی نشینان بوده و این نسبت برای کشورهای ضعیف تر در حال افزایش است. کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن ۲۱، هشدار داده بود که به موازات رشد ابر شهرها، فقر شهری افزایش یافته و بخش عمده ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونت گاه های غیررسمی صورت خواهد گرفت، این گرایش را غیررسمی شدن شهرنشینی نامیده است. از این رو می بینیم که حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی مساله ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده است و رهیافت ها و اقدامات جدیدی را می طلبد.

عناصر تشکیل دهنده حاشیه نشینی و سرچشمه اصلی آن را در دو مساله شرایط نامطلوب زندگی اقتصادی و اجتماعی حاشیه نشینان شهری و مهاجرت روستائیان به شهرها به ویژه در شهرهای بزرگ، بر اثر شرایط نامناسب فعالیت های اقتصادی و زندگی اجتماعی در روستاها دانست. در ایران حاشیه نشینی از ویژگی های جدایی ناپذیر رشد شهری است که در سال های اخیر به دلیل افزایش مطالبات اجتماعی در این مناطق و با توجه به تجربه چند دهه گذشته، بیشتر مورد توجه محققان و کارشناسان واقع شده است. امروز در جهان، توسعه و توسعه خواهی به جنبشی فراگیر و جهانی تبدیل شده است و اغلب دولت ها به مقتضیات خود خواهان توسعه می باشند. در این میان مراد از توسعه بسیار متفاوت است. از گذران امور گرفته تا فراغت، از فقر مطلق تا بهبود دسترسی به خدمات اساسی اقتصادی و اجتماعی و نیز بهبود مستمر و ارتقای مداوم کیفیت زندگی در این مقوله می گنجد.

تاریخچه حاشیه نشینی در جهان به نوعی به انقلاب صنعتی و به تبع آن به رشد شهرها گره خورده است. حاشیه نشینی چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، مستقیماً متأثر از نحوه صنعتی شدن شهرها بوده است. در کشورهای توسعه یافته کنونی، ابتدا کارخانه ها به علت نیازشان به منابع آبی و امکانات حمل و نقل در درون شهرها ایجاد شدند و به همین سبب مهاجرین روستایی و طبقات فقیر شهری را به مرکز شهرها کشاندند. با انتقال کارخانه ها به بیرون شهرها و توسعه حومه نشینی برای طبقات متوسط و بالای جامعه، فقرا در مراکز شلوغ و کثیف شهری باقی ماندند تا آنچه ما امروزه از آن، به عنوان «حاشیه نشینی» یاد می کنیم، نه در اطراف شهر، بلکه در مراکز شهرهای بزرگ پدید آمد [۱]. ولی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، که صنعت نه محصول توسعه درونزا، بلکه وارداتی بوده است، حاشیه نشینی از همان آغاز به اطراف شهرها هدایت شد. [۲] و مهاجران وارد شده از روستاها و شهرهای کوچک به خاطر گران بودن زمین شهری در اطراف شهرها ساکن شدند.

تعریف حاشیه نشینی

مفهوم حاشیه نشینی معانی و اسامی گوناگونی برای خود دارد و اغلب، به مسکن فاقد خدمات و نیازهای اولیه انسانی اطلاق می شود. ظاهراً اولین تعریفی که درباره حاشیه نشینی ارائه شده است، به سال ۱۸۱۲ برمی گردد که در آن، حاشیه نشینی به مکان های شلوغ و مراکز جرم خیز اطلاق می شد. به هر حال، طی دهه ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۰، فقرا در چنین مناطقی زندگی می کردند. حاشیه نشینی در دوره کلاسیک، منطقه ای بدنام و متمایز از سایر مناطق بود. در این دوره، اصلاح گرایان بیشتر با چارلز بوت موافق بودند که مناطق حاشیه نشین را معجونی از خانه های فرسوده، با تراکم زیاد جمعیتی، فقر و ضعف تعریف می نمود. برای لیبرال های قرن نوزدهم، ابعاد اخلاقی مسئله اهمیت داشت. از نظر اینان، مناطق حاشیه نشین بیش از همه، به عنوان مکان هایی با پسماندهای اجتماعی و فساد و مراکز غیراخلاقی و شلوغ بوده است. هر چند بعدها محققین و نویسندگان عرصه حاشیه نشینی، تعریف کلاسیکی از حاشیه نشینی را مد نظر داشتند - مناطقی با تراکم زیاد جمعیتی، فقر و خانه های غیررسمی، دسترسی نابرابر به آب سالم و لوله کشی شده و تصرف غیرقانونی زمین، ولی افتراهای عصر ویکتوریایی را کنار گذاشتند [۴]. شرادر (۲۰۰۴) نیز به ویژگی غیررسمی حاشیه نشینی اشاره می کند که نتیجه ای از موقعیت ساکنان غیر قانونی، اما غالباً قابل تحمل است [۴].

حاشیه‌نشینی به عنوان یک مسئله اجتماعی پیچیده در بستری از تعاملات که متأثر از عوامل بسیاری است شکل می‌گیرد، که بعضاً تشخیص بسیاری از این عوامل بسیار دشوار است. در این زمینه، پل میدوز، مهاجرت را عامل اصلی حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه می‌داند و معتقد است که در کشورهای در حال توسعه، شهرهای بزرگ مناطق حاشیه‌نشین درند. این شهرها با سیل عظیم مهاجرین روستایی روبه‌رو هستند و شهر به عنوان متوقف‌کننده در مورد آنها عمل می‌نماید. بعضی از مهاجرین خوشبخت، می‌توانند از دروازه‌های طلایی شهر عبور کنند و خود را با شهر تطبیق دهند، ولی بعضی از آنها نمی‌توانند با شهر سازگاری پیدا کنند و در نتیجه، پشت دروازه‌های شهر مناطق حاشیه‌نشین را تشکیل می‌دهند. تعداد افراد در حاشیه‌ها و خصوصیات آنها متفاوت است و اندازه حاشیه‌ها به محیط آنها و حجم مهاجرین بستگی دارد. همچنین فرهنگ و وضع حاشیه‌نشینان با افراد شهری تفاوت دارد، امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه، یورش حرکت جمعیت از روستا به شهر را تجربه می‌کنند. نامتوازی و نابرابری سطح زندگی در روستا و شهر خود به حاشیه‌نشینی منجر می‌شود. مهاجرت روستاییان به شهرها، پس از مدتی شهرها را اشباع می‌کند و سازمان‌ها و مسئولین کنترل‌کننده شهری نیز از پذیرش آنها عاجز می‌مانند و تعدادی از روستائیان، نمی‌توانند خود را با محیط وفق دهند و جذب حاشیه شهری می‌شوند [۴].

دیدگاه‌های مرتبط با حاشیه‌نشینی

بحث‌های نظری درباره مهاجرت روستایی به شهر، تاریخ طولانی دارد و پیشینه آن دست‌کم به دهه ۱۸۸۰ بازمی‌گردد که راونشتاین طرح «قوانین مهاجرت» خود را پیشنهاد کرد. طبق این قوانین، مهاجر از منطقه‌ای که در آن، فرصت‌های کمتری وجود دارد، به مناطقی می‌رود که فرصت‌های زیادی در دسترس باشد. گزینش این منطقه به کمک عنصر فاصله انجام می‌پذیرد، زیرا مهاجر تمایل دارد به مکان‌هایی که نزدیک‌ترند مهاجرت کند [۵].

«نظریه جذب و دفع» که به نظریه تفاوت‌ها و کشش و رانش نیز معروف است، مبنای تئوریک خود را بر اندیشه توسعه ناهم‌آهنگ شهر و روستا و تضاد میان این دو بخش از حیات بشری قرار می‌دهد [۶].

اورت اس لی در مقاله‌ای با عنوان «نظریه مهاجرت»، که در سال ۱۹۶۶ ارائه داد، درباره حجم مهاجرت، جریان متقابل مهاجرت و خصوصیات فرد مهاجر نکاتی را بیان کرد. از نظر لی، مهاجرت به عنوان تغییر مکان دایمی یا موقت تلقی می‌شود و هیچ محدودیتی برای مسافت حرکت یا اختیاری و اجباری بودن ماهیت این عمل و هیچگونه تفاوتی میان مهاجرت داخلی و خارجی وجود ندارد.

از دیدگاه لی، به طور کلی چهار عامل اصلی در مهاجرت دخیلند، که عبارتند از: عوامل موجود در مبدأ، عوامل موجود در مقصد، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد، و عوامل شخصی. در هر مبدأ و مقصدی، مجموعه‌ای از عوامل مثبت (جاذبه‌ها) و عوامل منفی (دافعه‌ها) وجود دارند که در نگاه داشتن فرد در یک منطقه یا مهاجرت او موثرند؛ مثلاً برخورداری مقصد از وجود امکانات آموزشی، اشتغال و درآمد بیشتر در مقایسه با مبدأ، مهاجرت را تشویق می‌کند و برعکس آلودگی محیط زیست، بالا بودن سطح هزینه‌های زندگی، دوری از خانواده و محیط و فرهنگ بومی از عوامل دافعه مهاجرتند.

مهاجر با مقایسه عوامل جاذبه و دافعه در مبدأ و مقصد، تصمیم می‌گیرد مهاجرت کند. عناصر مثبت فرد را نگه می‌دارد و دیگران را از مناطق دیگر جذب می‌کند و برعکس، علائم منفی افراد را به مهاجرت وادار می‌کند، صفر نیز جزو عوامل خنثی است، یعنی جزو عوامل جاذبه یا دافعه محسوب نمی‌شود. حجم ناخالص مهاجرت به میزان عوامل منفی و مثبت در مبدأ و مقصد بستگی دارد.

توسعه پایدار

اصطلاح توسعه پایدار یا پایا در اوایل سال‌های دهه ۱۹۷۰ درباره محیط و توسعه به کار رفت. حوزه مهمی که توسعه پایدار روی آن تأکید دارد مسائل محیطی است و از زمانی که سازمان‌های بین‌المللی که خواهان دستیابی به محیطی مناسب و مساعد برای توسعه سودمند بودند نام خاص و ویژگی‌های آن‌ها در راهبرد توسعه پایدار نمود یافت.

در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس زمین، توسعه پایدار چنین تعریف شد: رفع نیازهای نسل حاضر بدون مصالحه با نسل‌های آینده درباره نیازهای آن‌ها. کمیسیون جهانی محیط زیست، توسعه پایدار را این گونه تعریف کرده است: توسعه پایدار فرآیندی تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. کمیسیون برانت لندن درباره توسعه پایدار بیان می‌دارد: توسعه پایدار به عنوان یک فرآیند که لازمه بهبود و پیشرفت است، فرآیندی که اساس بهبود وضعیت و از

میان برنده کاستی های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته است و باید محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ تمام جوامع و کشورهای در حال توسعه باشد. از جمله جنبه های مهم تامین حداقل نیازها برای اجرای توسعه پایدار، موارد زیر است [۶]:

۱. حذف فقر
۲. کاهش رشد جمعیت
۳. توزیع منطقی منابع
۴. تمرکز زدایی
۵. داشتن مردمی سالم تر و آموزش دیده تر
۶. تفهیم بهتر تفاوت اکوسیستم

حاشیه نشینی و توسعه پایدار شهری

امروزه پدیده شهرنشینی کره زمین را تسخیر کرده است. توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به همراه داشته است. یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی است. حاشیه نشینی دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت در مورد این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آنها و منطقه اصلی شهر، نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده ها باشد که به علت هزینه بالای زندگی در مناطق اصلی شهر، قادر به زندگی در این مناطق نیستند. علت دیگر آن، وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آنجا که بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی توانند، وجود این مهاجرین را بپذیرند لذا آنان به مناطقی روی می آورند که امکان کنترل های اجتماعی و هنجاری کمتری دارند و این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار گرفته اند [۷].

اما وجه درونی حاشیه نشینی با نظام فرهنگی اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است. بر این اساس وضعیت حاشیه نشینی آن گونه که رابرت پارک (۱۹۸۱) بیان می دارد: شرایط یا عالمی است برزخ گونه، که افراد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق درمی آورد. فرد خود را در شرایطی می یابد که در آن روابط اجتماعی و ارزش های فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده ولی روابط و ارزش های دیگری، هنوز به طور کامل جایگزین آنها نشده است. به اعتقاد وی چنین فردی در برخورد فرهنگ ها حالت کناره گیری، از خود نشان می دهد و نمی تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خود ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت نابرابری نسبت به ارزش ها و بیگانگی با موقعیت جدید فرد از جامعه کناره می گیرد و در حالتی معلق، در حاشیه اجتماع می نشیند [۸].

فرآیند و علل حاشیه نشینی

علل شکل گیری سکونتگاه های غیر رسمی را می توان در قالب مکاتب و نظریات نیز مورد بحث قرار داد. نظریاتی که به دلایل شکل گیری و گسترش این سکونتگاه ها پرداخته اند به سه دسته لیبرال، بنیاد گرا و جامعه گرا تقسیم کرد. در دیدگاه لیبرال، مهم ترین دلیل شکل گیری این سکونتگاه ها عامل جمعیتی و مهاجرت است. از نظر این مکتب، در مرحله ای از توسعه جوامع، مازاد نیروی کار و تولید به وجود می آید از این رو موجی از مهاجرت که طبیعی به نظر می رسد، از روستاها به شهر ها آغاز می شود. این جمعیت وقتی به شهر می رسد به دلیل عدم توان پاسخ گویی شهر در زمینه اشغال و مسکن، به ناچار در سکونتگاه های غیر رسمی سکنی می گزیند. در کل این مکتب دلیل اصلی شکل گیری و گسترش این سکونتگاه ها را عامل رشد جمعیت می داند و راه حل این مسئله را نیز کنترل جمعیت می بیند [۹].

بنیاد گرا ها، برخلاف لیبرال ها دلیل گسترش سکونتگاه های غیر رسمی را در عوامل خارجی جستجو می کنند. از نظر آنان وابستگی کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته در نظام جهانی باعث می شود این کشورها نقش امین کننده مواد غذایی را از دست بدهند و تبدیل به وارد کننده شوند در مقابل در شهرهای بزرگ این گونه کشورها، صنعتی شدن اتفاق می افتد. این وابستگی و این تحولات باعث شکاف بین شهر و روستا و آغاز مهاجرت های سنگین روستا - شهری می شوند این در حالی است که به دلیل سرمایه بر بودن صنعت ایجاد شده، فرصت اشتغال برای تعداد معدودی از افراد فراهم می شود و بقیه وارد مشاغل غیر رسمی و حاشیه نشینی می شوند [۱۰].

از نظر اندیشمندان مکتب جامعه گرا و جامعه گرایان جدید حاشیه نشینی و پیدایش گروه های حاشیه ای و فقیر در جامعه های شهری کشورهای در حال توسعه، ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه و انباشت سرمایه، رشد ناموزون اقتصادی و بروز تضاد های (تضاد بین زندگی شهری و روستایی، تضاد طبقاتی و...) است و بنابراین در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش حاشیه نشینی امری اجتناب ناپذیر است [۱۱].

جدول ۱- دلایل تشکیل حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه از دیدگاه مکاتب

مکاتب غالب	دلایل ایجاد اسکان غیر رسمی و حاشیه نشینی
لیبرال	افزایش ناگهانی جمعیتی و مهاجرت از شهرها به روستا
بنیادگراها	وابستگی برونزای کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته، گذار از مرحله کشاورزی به دوره صنعتی. کم شدن فرصت‌های شغلی در روستاها و مهاجرت روستاییان بیکار به شهرها.
جامعه گرا و جامعه گرایان جدید	روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه و انباشت سرمایه، رشد ناموزون اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی (تضاد بین زندگی شهری و روستایی، تضاد طبقاتی و ...).

منبع: [اداش پور، ۱۲]

فرآیند و گسترش حاشیه نشینی بر اساس مراحل زیر می باشد :

- ۱- توزیع ناعادلانه و نامتوازن منابع ثروت و درآمد بین مناطق شهری و روستایی
- ۲- گسترش فقر و بیکاری در محیط های روستایی
- ۳- مهاجرت بی رویه روستائیان به شهرها
- ۴- گسترش ناهمگون و شتابان شهرها
- ۵- عدم پاسخ گویی ظرفیت شهری به نیازهای مهاجرین
- ۶- وجود باندهای نامشروع قدرت و ثروت و بورس بازی زمین
- ۷- عدم جذب مهاجرین در نظام اقتصادی- اجتماعی
- ۸- عدم توانایی مهاجرین در تامین فضای مناسب اسکان غیررسمی و رانده شدن آنها به حاشیه شهر
- ۹- ایجاد و گسترش حاشیه نشینی

پیامدهای بیان شده حاشیه نشینی

ظهور حاشیه نشینی که خود ریشه زیادی در مهاجرت و عوامل اقتصادی دارد، تحت تأثیر پارامترهایی همچون فقر اقتصادی، عدم تخصص، نوع شغل، تعارض فرهنگی، بی سوادی، هویت قومی و فرهنگی، غیر قابل کنترل می شود و در نتیجه عوارض این پدیده به حوزه شهری و ملی نیز گسترش می یابد. اکثر حاشیه نشین ها تحت تأثیر متغیر ها یی چون عدم دسترسی به مشاغل اقتصادی شهر همراه با فقر اقتصادی و عدم تخصص مجبور به تداوم زندگی در این مناطق می شوند و فقر در این مناطق موجب می شود که ساکنین این محله به مشاغل کاذب رو بیاورند، شکل گیری این محله پیامدهای کالبدی، زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود می آورند. که در جدول زیر به اختصار اشاره شده است.

جدول ۲

عنوان	عمده‌ترین پیامدها
مشکلات زیست محیطی	انباشت زباله ها و عدم جمع آوری به موقع آن ها عدم لوله کشی آب آشامیدنی سالم. آلودگی هوا به دلیل به دلیل زمین‌های بایر اطراف واحد های مسکونی
مشکلات اجتماعی و فرهنگی	اکثر ساکنان این مناطق در شغل‌های غیر رسمی و اغلب کارگر می‌باشند. به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی، ترک تحصیل و افت تحصیلی در بین دانش آموزان مشاهده می‌شوند. سطح سواد پایین احساس تعلق به محیط کم می‌باشد. به دلیل اختلاف زیاد میان شرایط زندگی در این سکونت گاه ها تنش‌های اجتماعی فراوان می‌باشد. اعتیاد و توزیع مواد مخدر در این مناطق زیاد می‌باشد فقدان مراکز فرهنگی، تفریحی و ... در این مناطق
مشکلات کالبدی	عدم استحکام بنا و مقاوم ناپذیری در برابر زلزله به دلیل استفاده از مصالح بی دوام و کم دوام فرسودگی بافت بناها وضعیت نامناسب پوشش خیابان‌ها و معابر سیمای نامطلوب
مشکلات اقتصادی	گسترش مشاغل کاذب در شهر، بی کاری پنهان و نیمه پنهان افزایش جمعیت غیر فعال نیروی کار به علت بالا رفتن میزان تقاضا افزایش هزینه ارائه خدمات و تأسیس نیازهای شهری از قبیل امکانات آموزشی، اداری و...

منبع: [صالحی و خدایی، ۱۳]

بافت چندقومیتی و ویژگی های فرهنگی

عموماً مناطق حاشیه نشین دارای بافت و ترکیب چند قومیتی می باشند و همین وضع سبب تنش ها و تعارض ها و حتی نزاع های پراکنده قومی در این مناطق می باشد. هم چنین در مناطق حاشیه نشین، فرهنگ های کوچک تر خاص مناطق کوچکی که خانوارها قبلاً ساکن آنجا بوده اند مشاهده می شود و اجتماعاتی در دل جامعه رخ عیان می کند. این فرهنگ ها بسیار دیر جذب فرهنگ های شهری می شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد، امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آنها برای اجرای برنامه های مختلف اجتماعی مانند بهداشت، تنظیم خانواده و غیره را مشکل می کند. خصایص کنش روستایی که سنخیتی با زیست شهر ندارد به شاکله عقیدتی زیست شهری مبدل می شود. از دیدگاه روانشناسی محیطی، انسان ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی همذات پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است. در تفسیرهای امروزه، حس مکان چیزی است که افراد در دروره زمانی خاص می آفرینند و نتیجه رسوم و اتفاقات تکراری است. حال و هوای محیط را توصیف می کند و بعضی از مکان ها آنچنان احساسی از جاذبه دارند که به فرد نوعی احساس وصف ناشدنی القا کرده و او را سرزنده، شاداب و علاقه مند به بازگشت به آن مکان ها می کنند که حس مکان نامیده می شوند. در واقع می توان گفت که حس مکان انگیزه ماندگاری افراد را در یک محیط خاص تقویت یا افزایش می دهد [۱۴].

در مناطق حاشیه نشین کشور تعلق به مکان بسیار پایین می باشد زیرا اکثر افراد ساکن در محل را، اکثراً مهاجرین تشکیل می دهند. و پایه های ذهنی و فرهنگی آنها در این محله بنیان گذاری نشده، خاطرات مشترک ندارند، پس سرزندگی و جذابیت لازم برای زندگی و افزایش کیفیت زندگی را ندارد. هر خانواری که به این مناطق می آید فرهنگ خاصی آن هم با توجه به فرهنگ غالب در شهر یا روستا یا عشیره خود، به همراه دارد. این فرهنگ ها پس از مدتی در فرهنگ قدیمی تر ادغام می شوند. هر چند برخی فرهنگ های خرد موجود، گویش و ادبیات این مناطق است. نوع رانندگی، نوع لباس پوشیدن، نوع مراسم عروسی، پایبندی به اصول لوتی گری و لاتی، رفیق بازی، نگهداری برخی حیوانات و مسائل دیگر که انسان را به تامل وادار می دارد.

مسئله مسکن و فضای کالبدی

رشد روز افزون شهرنشینی، مسائل و مشکلات جدید و خاصی را در زندگی انسان ها به وجود آورده است. یکی از عمده ترین این مشکلات مسئله مسکن می باشد. سیمای مسکن و تجهیزاتی که مراتب رفاه و آسایش ساکنین را فراهم می کند، ناشی از وضع اقتصادی صاحبان آنها می باشد به همین دلیل نامتعارف ترین و غیراستانداردترین خانه ها در مناطق شهری متعلق به حاشیه نشین ها است. بر اساس بررسی های انجام شده، تراکم بالای افراد در واحدهای مسکونی، تعداد اندک اتاق، برپایی خانه های یک شبه ساز، ساخت و سازهای غیرمجاز مسکن با مصالح کم دوام و غیراستاندارد، عدم برخورداری واحدهای مسکونی از حداقل تسهیلات و تحمیل هزینه های سنگین بر ساکنان محروم این مناطق از ابعاد مسئله ساز پدیده مسکن در مناطق حاشیه کشور می باشد [۱۵].

بافت مسکونی در هم و بی ضابطه، فرسودگی بناها، نمای نامطلوب ابنیه سیمای شهر، تشدید ترافیک در محله ها و معابر نامناسب و عدم استحکام بناها و مقاومت پذیری آنها در برابر زلزله از دیگر ویژگی های فیزیکی در محلات حاشیه شهر یاسوج است. نداشتن پروانه ساخت از دیگر مشکلات این محلات می باشد که بیش از ۷۴ درصد ساکنین در این محلات بدون پروانه و مجوز ساخت، ساختمان هایی بدون استحکام و نماسازی ساخته اند.

مسائل اقتصادی

یکی از مسائلی که ساکنان بافت های حاشیه ای شهرهای کشور با آن مواجهند مسئله بیکاری و ناپایداری درآمدی است. چرا که این گروه از افراد دائما فاقد مشاغل رسمی بوده و به این خاطر از امنیت شغلی و پایداری درآمد برخوردار نیستند. فقدان مشاغل رسمی و پایدار برای ساکنان تأثیرات نامطلوبی بر معیشت خانواده ها و به تبع آن، ارکان مختلف زندگی آنها داشته است.

مسائل اجتماعی و مشارکت

بر اساس یافته های این پژوهش، میزان مشارکت اجتماعی در قالب یافتگی و تشکل های مدرن در میان ساکنان مناطق حاشیه نشین بسیار ضعیف بوده و عمدتا مشارکت آنها به صورت اشکال اولیه، سنتی و ناپیوسته بوده است یعنی از طریق روابط مبتنی بر تبار و طایفه خویشاوندی عمل می کنند. به این معنی که گروه های مشارکت کننده، یا گروه های قومی اند و یا کسانی که مجاورت مکانی دارند و همسایه اند [۱۳].

مسائل زیست محیطی

حاشیه نشینی مشکلات و مسائل زیست محیطی را هم در پی دارد از جمله :
-انباشت زباله ها و عدم جمع آوری به موقع آنها.
-عدم لوله کشی آب آشامیدنی مناسب.
-آلودگی هوا به دلیل زمین های بایر اطراف واحدهای مسکونی [۱۳].

تأثیر حاشیه نشین ها برای تهدید امنیت اجتماعی

حاشیه نشین ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند. فقدان نظارت امنیتی کافی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق باعث می شوند، مجرمین به راحتی در آن پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه نشین با فرهنگ ویژه روزها عازم مرکز شهر می شوند تا کاری دست و پا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتا به کار دست فروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و کارهای دیگر دیگر می پردازند و به این ترتیب به صورت زائده فعالیت های شهری در می آیند. این مشاغل غیرتخصصی و زائد، خود به عنوان یک عامل سوق دهنده به سوی جرم عمل می کنند. به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد، همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیرتخصصی داشتند. از دیگر جرائم مطرحی که در افراد حاشیه نشین وجود دارد منکراتی است که به دلیل بروز بیماری های تناسلی و ایدز، اهمیت خاص دارد [۱۶].

قطعا در وقوع جرم، محیط اعم از محیط اجتماعی و محیط زندگی تاثیر بسزایی دارد. و این امر به اثبات رسیده و در حال حاضر جرم شناسان، جامعه شناسان و حقوق دانان آن را مورد پذیرش قرار داده اند و نظریات و نتیجه تحقیقاتی که انجام شده و به برخی از آنها اشاره شد مبین تاثیرگذاری محیط در وقوع جرایم می باشد.

اعمال مجرمانه یا بزهکارانه در بعد از شکل گرفتن حاشیه

سرقت: سرقت از جمله جرایم علیه اموال است و جرم شناسان عللی را برای آن برشمرده اند از جمله فقر و نیاز مالی، بیکاری، اعتیاد، انتقام جویی و کینه و حسد. بیشتر علل یاد شده را می توان در مناطق حاشیه نشین مشاهده نمود. در بیشتر موارد این افراد در محل های مرفه نشین یا متوسط شهر، اقدام به سرقت می نمایند. در مناطق حاشیه نشین سرقت برق، گاز، آب و تلفن نیز شایع است. چون این مناطق خصوصا در مراحل اول شکل گیری آن فاقد خدمات فوق هستند به نحوی که از انحاء و با انجام سیم کشی ها و لوله کشی های پنهانی اقدام به سرقت آب، برق، گاز و تلفن از نزدیک ترین محل ممکن (اعم از مسکونی، صنعتی، تجاری و خدماتی) می نمایند.

قتل عمد: تعارض فرهنگ های خرده تر، خصومت و اختلافات دیرینه، سودجویی و تحصیل اموال، جریحه دار شدن غیرت و آبرو، نزاع های اتفاقی و اعتیاد از جمله علل وقوع قتل می باشد. این علل و عوامل به روشنی در مناطق حاشیه ای قابل رویت می باشد. بیشتر قتل های اتفاق افتاده یا در این مناطق صورت می گیرد یا توسط کسانی که در این مناطق زندگی کرده اند به وقوع می پیوندد [۱۶].

نزاع دسته جمعی: از جرایم شایع در مناطق حاشیه ای می باشد. چون ساکنین این مناطق معمولا مهاجرین از روستاها و ایل ها می باشند و معمولا در یک محل و در نزدیک هم سکنی می گزینند و در مواقعی به سبب درگیری های جزئی حادث شده بین دو نفر و حتی کودکان، نزاع های دسته جمعی شدیدی که معمولا منجر به کشته و زخمی شدن عده ای از منازعه کنندگان می شود، رخ می دهد [۹].

۴-تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست: ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی، توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه، زباله در خیابان و کشتار غیرمجاز دام و استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه مطابق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. در مناطق حاشیه نشینی، فاضلاب منازل در کوچه ها رها شده، جدول کشی و کانال کشی مناسبی جهت هدایت این آب های کثیف وجود ندارد و این آب ها در سطح کوچه ها در جریان است. خدمات شهری مثل جمع آوری و دفع زباله به آن شکلی که در داخل شهرها وجود دارد در این مناطق دیده نمی شود. در برخی از منازل احشام نگهداری می شود و فضولات آن در منزل و محله منتشر می شود. کشتارهای غیرمجاز و غیربهداشتی در این مناطق صورت می گیرد و همه این موارد از مصادیق جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط زیست، می باشد که قابل تعقیب کیفری هستند. همچنین تخلفات بهداشتی که در اماکن عمومی مناطق حاشیه ای، آلودگی های صوتی و آلودگی هوا که در این مناطق مشهود است نیز از همین نوع می باشد.

اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی: توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند و به لحاظ فقر علمی، فقر آگاهی و بیکاری وسیع و جهت رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای مقطعی روحی و غیره ساکنین این مناطق، میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان، شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می دهند و از این راه به کسب سود نائل می آیند [۴].

نتیجه گیری

طبق بررسی ها مهم ترین مشکلات حاشیه نشینی شهرهای کشور عبارتند از :

۴-۱- مهم ترین مشکلات زندگی خانوادگی در محلات حاشیه نشین عبارتند از بی کاری و نداشتن شغل دائم سرپرست خانوار، مشکل مالی و کمبود درآمد، نداشتن خانه و مسکن مناسب، محیط بد اجتماعی و فرهنگی این محلات، عدم رسیدگی شهرداری، کمبود امکانات رفاهی-تفریحی برای فرزندان، انحرافات اجتماعی زیاد از جمله اعتیاد و نبود امنیت و موارد دیگر می باشد.

همچنین در بیان مهم ترین مسائل و مشکلات محلات حاشیه نشین به مواردی نظیر آسفالته نبودن کوچه ها، کمبود بهداشت و سرپوش نبودن رودخانه و فاضلاب های محله، کمبود امکانات رفاهی و آموزشی، عدم رسیدگی شهرداری به این محلات، نداشتن آب لوله کشی، نبود امنیت و وجود انواع آسیب ها و انحرافات اجتماعی به ویژه اعتیاد، شلوغی محله ها و تراکم جمعیتی زیاد اشاره شد. حاشیه نشینی به نحوی است که جغرافیای فیزیکی شهر را دست خوش ناهمگونی و ناهنجاری های شدید کرده است. زندگی حاشیه ای از یک سو می تواند تهدیدهایی برای نظام شهری به شمار رود و از سوی دیگر به حاشیه راندگی، مسائل و مشکلات زیادی نیز برای ساکنان این مناطق به همراه دارد.

از جمله راهکارهای مناسب برای جلوگیری از گسترش حاشیه نشینی :

در این زمینه باید به دو اصل توجه داشت، یکی ریشه یابی مسائل اجتماعی نظیر حاشیه نشینی و دیگری برنامه ریزی علمی برای برطرف نمودن موانع و عوامل پیدایی و گسترش یک پدیده اجتماعی است.

در برخورد با پدیده حاشیه نشینی باید به جای توجه به معلول، بروز علت ها را مورد بررسی قرار داد و با برنامه ریزی جامع و علمی برای برطرف کردن این پدیده تلاش کرد. بنابراین این امکان برای از بین بردن این معضل اجتماعی وجود دارد به شرط اینکه شناخت و برنامه ریزی علمی جانشین برنامه ریزی مقطعی، ظاهری و یا ساده پنداری شود.

اختلاف سطح توسعه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا یکی از عوامل عمده مهاجرت روستائیان به شهرها و در نتیجه بروز گسترش پدیده حاشیه نشینی است و تا زمانی که این اختلاف سطح از بین نرود، همچنان مهاجرت از روستا به شهرها و نیز ایجاد مناطقی به نام حاشیه وجود دارد.

از بین بردن اختلافات سطح میان روستا و شهر بدین معنا نیست که روستاها به شهر تبدیل شوند و یا همه امکاناتی که در شهر وجود دارد باید در روستاها فراهم شود بلکه باید امکانات در زمینه های یاد شده که موجب این اختلاف سطح گردیده در معیاری معقول و مناسب در روستا ایجاد شود تا موجب اقامت و ماندگاری روستائیان در روستاها و نیز مانع مهاجرت های انبوه آنان به شهرها شود.

منابع و مآخذ

- [۱] ممتاز، فریده (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۲] پیران، پرویز (۱۳۸۰)، «تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۶: ۲۷-۴۸.
- [۳] زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹)، حاشیه‌نشینی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- [۴] پاپلی یزدی، محمدحسین، رجبی‌سنجری، حسین (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.
- [۵] تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۱)، نظریه‌های مهاجرت، تبریز: ستوده.
- [۶] فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی شهر، مترجم: عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات آگه.
- [۷] جمشیدی، غلامرضا، عنبری، موسی، (۱۳۸۳)، ساختاریابی اقتصادی اجتماعی اسکان غیررسمی (مطالعه موردی در منطقه کلانشهر تهران). در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات)، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- [۸] نیک نام، جواد و موسوی، سید عارف، (۱۳۸۹)، بررسی مشکلات و مسائل سکونتگاه‌های غیر رسمی، کتاب دیجیتال منتشر شده توسط سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- [۹] ایران‌دوست، کیومرث، (۱۳۸۸)، سکونت گاه‌های غیر رسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- [۱۰] حسین آبادی، سعید، (۱۳۸۹)، ارزیابی نقش توانمند سازی در بهبود وضعیت اسکان غیررسمی (نمونه موردی: محدوده شرق کال عید گاه سبزواری) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس ص ۱۹.
- [۱۱] داداش پور، هاشم و علیزاده، بهرام، (۱۳۹۰)، اسکان غیر رسمی و امنیت تصرف زمین، انتشارات آذرخش، تهران.
- [۱۲] صالحی امیری، سیدرضا، خدائی، زهرا، (۱۳۹۰)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی: بررسی عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر مهاجرت اتباع خارجی به ایران از مرزهای شرقی نمونه موردی اتباع افغانستانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- [۱۳] ربانی خوراسگانی، رسول، وارثی، حمیدرضا و زهرا طاهری، (۱۳۸۸)، تحلیلی بر علل اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهر اصفهان (نمونه موردی: ارزنان و دراک، جغرافیا و توسعه سال ۷، شماره پیاپی ۱۳، صفحات ۹۳-۱۲۵).
- [۱۴] نقدی، اسد الله و صادقی، (۱۳۸۵)، حاشیه‌نشینی چالشی فرا روی توسعه پایدار شهری با تاکید بر شهر همدان، فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۲۰، صص ۲۳۳-۲۱۳.
- [۱۵] رضایی، محمد رضا، کمانداری، محسن. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان نمونه مورد مطالعه: محلات سیدی وامام حسن. برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، ۴(۴)، ۱۷۹-۱۹۶.

منابع انگلیسی:

- Gruber , Denis, et al (2005), "Living and Working in Slums of Mumbai", Internet-Fassung, April, Otto-von-[۳] Guericke-Universität Magdeburg.